

# خوشنویسی

## نیایش انگستان جوهری

اسماعیل رشوند

مرزهای مکانی و زمانی را درنوردید و مشعل آن قرن‌ها گذرگاه تاریخ بشری را روشن ساخت. تمدن اسلامی در آغاز بیشترین تأثیر را از تمدن ایران پذیرفته است. هر چند از تأثیرات تمدن‌های بین‌النهرین، مصر، یونان، بیزانس - هندوچین هم بی‌نصیب نبوده است)

دکتر حلیمی در این مورد می‌گوید: «هنر اسلامی از هنر رومی و یونانی و بیزانس و هندی و چینی و ایرانی بهره‌های گوناگون برده است. اما تأثیراتی که از ایران گرفته و وسیع‌تر و همه‌جانبه‌تر بوده است»<sup>(۱)</sup>.

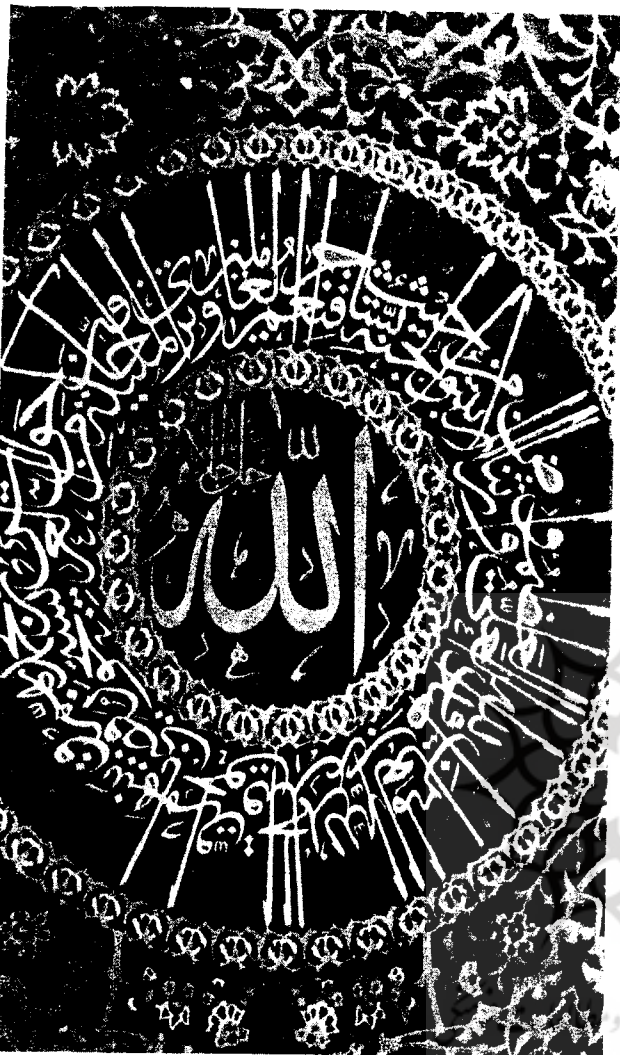
ابداع خط «نسخ» توسط ابن مقوله این بزرگ‌ترین و خلاق‌ترین هنرمند تاریخ خوشنویسی را شاید بتوان خجسته‌ترین مولود این پیوند مبارک به شمار آورد. چرا که «خط نسخ» پیش از آنکه نوعی خوشنویسی باشد نوعی «خط» است خطی که سهولت فراگیری خواندن و نوشتن آن نسبت به خط متداول ماقبل خود یعنی کوفی اولیه موجب توسعه و گسترش «سواد» با سرعتی شکفت‌انگیز در بین مسلمانان شد. ابوالفضل ذابح در این باره چنین می‌نویسد:

«این مقوله شخصاً حروفی با تناسباتی نقص برای «خط نسخ» به وجود آورد که آن را به سطح یک «خط عمده» ارتقاء بخشید. جذبه عمده آن برای عموم آن بود که شکل روان هندسی داشت و هیچ‌گونه پیچیدگی را در بر نمی‌گرفت»<sup>(۲)</sup>. نتایج حاصل از پیدایش این خط در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی چنان ابعاد وسیعی دارد که پرداختن بدان زمان و فرصتی فراخ می‌طلبد. پروفیسور آن‌ماری شیمل در این مورد می‌گوید: «به‌طور کلی تطور و تکامل زیبایی‌راستین و استواری کامل خط بر مبنای مقیاس معین با نام «ابن مقوله» همراه است. هنرمندی از شیراز که بارها به عنوان وزیر خدمت کرده است»<sup>(۳)</sup>.

ابن مقوله در ابداع خط نسخ با آنکه از خط پیشینیان (خط کوفی اعراب و خط پهلوی و اوستایی ایران -ستان) تأثیر پذیرفته اما در ساختار هندسی نسخ چنان

ایرانیان باستان که از دیر باز در جست و جوی یگانه محبوب ازلی و ابدی آسمان‌ها را می‌کاویدند و هنر و زیبایی را به مثابه جلوه‌ای از ذات نیافته و ناشناخته اهورایی در دست ساخته‌های خود می‌نمایاندند و اغلب وسایل روزمره زندگی از ظروف سفالی و آبگینه و اشیاء فلزی و گلیم و لباس تابناهای عظیم را با عنصر زیبایی درمی‌آمیختند. وقتی ندای برابری و برادری اسلام را شنیدند همچون عاشق سرگشته‌ای که بعد از جست و جویی طولانی معشوق خویش را یافته باشد سر از پاناشناخته بدان گرویدند. از این پس زیبایی و هنر که با جان و دل آنان آمیخته بود سمت و سوی مشخص یافت و سیری قدسی و روحانی در پیش گرفت.

بدینسان بود که طبع لطیف و خوی ملایم ایرانی با اسلام منادی رنوفت و رحمت درهم آمیخت و این پیوند مبارک در اندک زمانی به پیامدهای خجسته‌ای انجامید آن چنان که تمدن و فرهنگ برخاسته از آن



استفاده از خط در کاشی کاری

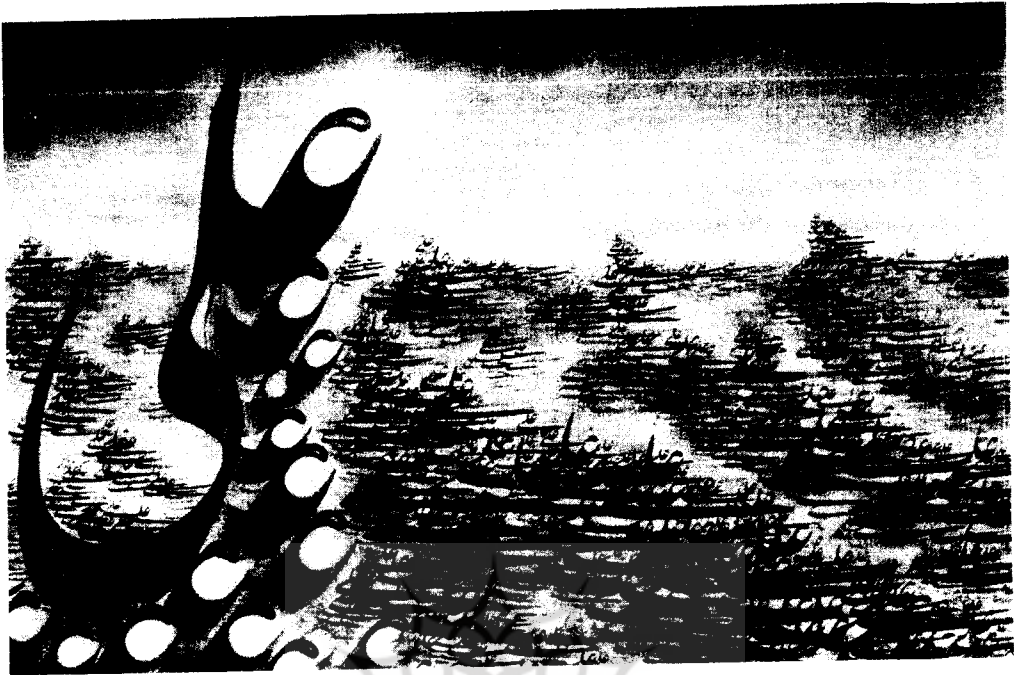
به نظر می‌رسد از طریقی نامکشوف، موجب پیدایی هنر انتزاعی امروزی ما گردیده باشد.<sup>(۴)</sup>

هنر خوشنویسی در فرهنگ اسلامی که ابتدا با کتابت و تزیین کلام وحی متبرک شد در طول تاریخ همچنان به عنوان هنری مقدس و رمزگونه دستمایه آفرینش های هنری هنرمندان مسلمان قرار گرفته است. هنر خوشنویسی برای هنرمندان مسلمان تنها تحریر و کتابت کلمات نبود بلکه آنان در حرکت قلم و تحریر بیچ و تاب حروف و کلمات به نیایش و عبادت

خلاقیتی به کار برده است. که امروزه بعد از گذشت ۱۲ قرن هنوز در کشورهای اسلامی متداول است بدان حد که در طراحی حروف جای سبز مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین این خط تاکنون منشأ پیدایش و ابداع انواع خوشنویسی بعد از خود گردیده است. هر چند حکومت اسلامی بعد از مدتی کوتاه به دست ناهلان اموی و سپس عباسی افتاد با این حال مسلمانان فرهیخته که ایمان و عشق به الله و اسلام با دل و جانشان در آمیخته بود عاشقانه در جهت پایه ریزی عظیم ترین و غنی ترین تمدن و فرهنگ آیینی کوشیدند. و در این مسیر بزرگترین و ارزشمندترین هدیه محبوب نو یافته، نوشته است یعنی قرآن را کانون آفرینش های هنری خویش قرار دادند و سر کتابت و نگارش و تزیین کلام وحی مشتاقانه کوشیده و شاهکارهای جاودانه ای به یادگار نهادند.

در این دوران برداشت های خلاف حد تکمیل اموی و عباسی از اسلام و ایجاد محدودیت های غیر معقول از جانب آنان در پرداختن مسلمانان به برخی هنرها از جمله مجسمه سازی - نقاشی - موسیقی و... از سوی و شور و اشتیاق فراوان هنرمندان مسلمان به وصف عاشقانه و عارفانه محبوب از سوی دیگر موجب شد هنرمندان به هنرهای «مرمگونه»، «انتزاعی» و «تجدیدین» روی آورده بخش عمده خود را در ابداع و تکامل انواع خوشنویسی (که علاوه بر پیوند آن با تحریر و کتابت از نظر فرم و شکل می تواند نوعی هنر و نقاشی انتزاعی محسوب گردد.) به کار گرفتند. که حاصل این حرکت هنری عظیم خلق شاهکارهای بی بدیل در حوزه کتاب آرایی و هنرهای تجسمی در جهان اسلام و تأثیرگذاری عمده در تمدن و فرهنگ و هنر شرق و غرب بود. ه. و. جنسن در این باره می نویسد:

«این طرح های جاری شده از خامه خطاطان، شاهکارهایی هستند که نیروی تخیل منضبط ایشان را به بهترین وجهی آشکار می سازند؛ یعنی همان عاملی که



نام اثر: علی - تکنیک: قلم خوشنویسی و ابربراش اندازه اصلی: ۱۰۰ × ۷۰. اسامعیل رشیدند

امتناع می‌ورزیدند. همنشینی خوشنویسان با کلام وحی و اشعار عارفانه در روح و جان حساس و لطیفشان تأثیر می‌گذاشت بدان حد که ایشان در مناعت طبع و صفای باطن شهره خاص و عام بودند.

داند آنکس که آشنای دل است

که صفای خط از صفای دل است

با اینکه هنرمندان ایرانی در ابداع و تکامل انواع خوشنویسی اسلامی (تا قرن هشتم هجری) نقش اساسی داشتند و در کاربرد این هنر در اشیاء و لوازم زندگی به ویژه معماری پیشتاز و سرآمد بودند اما هنوز طبع لطیف، خوی عارفانه و نگاه عاشقانه آنان به هستی نیازمند نوعی ناب‌تر از خوشنویسی بود تا به تمامی در پیچ و تاب آن خود را باز نمایند. تا اینکه در قرن هشتم هجری حادثه‌ای که انتظارش می‌رفت به وقوع پیوست و مولودی خجسته که به جرأت می‌توان آن را عصاره هنر و احساس و عاطفه و جهان‌بینی ایرانی مسلمان به حساب آورد؛ زاده شد و «نستعلیق» نام گرفت. در

می‌نشستند. فراز و فرود قلم بر روی صفحه برای آنان رکوع و سجودی عاشقانه و سیر و سلوکی عارفانه بود. هم از این رو بدون وضو قلم به دست نمی‌گرفتند و به مشق نمی‌نشستند. خوشنویسی آنان را از محدوده کلمات و حروف فراتر برده به فضایی روحانی و قدسی می‌پیوست.

خط کوفی در مقام اولین خطی که برای کتابت و تزیین «کلام وحی» به کار رفت در اندک زمانی به دست خوشنویسان هنرمند چنان تغییر شکل داد که پیش و بیش از آنکه به خطی الفبایی شباهت داشته باشد به نقوشی بصری و تصویری بدل گشت و هیأتی قدسی و آیینی به خود گرفت. چنان که مارتین لینگز معتقد است: «خط کوفی به کار رفته در قرآن‌های اوایل، مقدم بر هر چیز خطی دعایی و نیایشی است.»<sup>(۵)</sup>

نگارش و کتابت قرآن برای خوشنویسان نوعی ادای تکلیف دینی و عبادت محسوب می‌شد از این رو اغلب خوشنویسان در پایان کار از ذکر نام و نشان خود

ساختار این نوع خوشنویسی زیبایی و استواری در حد کمال به هم آمیخت و «خطوط منحنی» که نرمی، لطافت، زیبایی، شادی و مهربانی را القا می‌کند. در تمامی هندسه آن به کار گرفته شد؛ هم از این رو «عروس خطوط» لقب یافت.

با نگاهی عمیق به نستعلیق می‌توان ناب‌ترین نقاشی ایرانی، قوس‌های معماری اسلامی - ایرانی و ریتم موسیقی و... به روشنی در آن بازیافت. لطافت و نرمش نهفته در هندسه روحانی نستعلیق نمادی از نگاه عارفانه ایرانی مسلمان به هستی و عشق او به یگانه محبوب جمیل هستی‌آفرین و مهرورزی او به سرزمین ایران و زبان فارسی است. چرخش‌های منحنی و فرود و فرازهای ملایم قلم در خوشنویسی نستعلیق چنان با طبع و خوی ملایم ایرانی هماهنگ بود که اغلب خوشنویسان ایرانی بدان روی آورده در تکامل آن کوشیدند و در پیچ و تاب آن رمزها نهادند و رازها نهفتند.

در خم زلف تو آن خال سیه‌دانی چیست

نقطه دوده که در حلقه جیم افتاده‌ست.

«حافظ»

ادارکی بیگلاری شاعر پارسی‌گوی منطقه سوادکوه نگاهی هنرمندانه به رمز و راز نهفته در نستعلیق دارد که آن را به زیبایی به نظم کشیده است چند بیت از آن چنین است:

«الف» را جا نمود اول به بالا

که ماند قامتش چون سرو رعنا

به زیر «پا» نهاده قرص عنبر

به مشکین زورقی افکنده لنگر

چو دیدم حرف «تا» را تازه شد روح

به دریا آشنا شد کشتی نوح

کشده «خ» به روی لوح عاجی

به فرق هدیدی بنهاده تاجی

ز «ر» و «ز» کششیده ابروان را

کششیده بر قمه مشکین کمان را

کششیده سر به بالا «شین» شمشیر

که خواهد لشگر زنگی کند زیر

کششیده سُرْمه را در دیده «صاد»

نهاده خال را بر عارض «ضاد»

کششیده «فا» به روی لوح ساده

چو دلبر سر به بستر بر نهاده

...

نهاده نقطه را در حلقه «نون»

چو نقب گوش خوبان گشته موزون

...

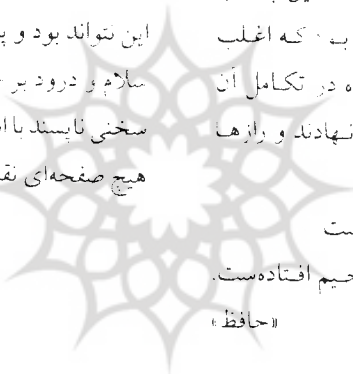
روایت قصه بلند خوشنویسی در مجالی کوتاه به از

این نتواند بود و پایان سخن:

سلام و درود بر خوشنویسان. که هرگز کلامی ناروا و

سخنی ناپسند با انگشتان جوهرین و قلم گوهرینشان بر

هیچ صفحه‌ای نقش نیست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پایان جامع علوم انسانی

#### منابع و مآخذ:

- ۱- فصلنامه هنر شماره ۹ صفحه ۵۲
- ۲- فصلنامه هنر شماره ۸ صفحه ۶۲
- ۳- کتاب خوشنویسی و فرهنگ اسلامی نوشته اناماری شیپول - ترجمه دکتر اسداله آزاد - ۱۳۶۸ - صفحه ۱۷
- ۴- فصلنامه هنر شماره ۹ صفحه ۳۲
- ۵- کتاب خوشنویسی و فرهنگ اسلامی - نوشته اناماری شیپول - ترجمه اسداله آزاد - ۱۳۶۸ - صفحه ۳۰